

۳۰ مه، ۹ خرداد، پایان عملیات جستجوی هشت ماهه، برای یافتن قربانیان حمله تروریستی به دو برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک، اعلام شد. در این حملات ۳۰۰۰ نفر کشته شدند. یازده سپتامبر سال گذشته با عملیات تروریستی اسلام سیاسی در آمریکا، جهان وارد دوری از جنگ تروریستها شد. اما جهان در این دوره تنها شاهد جنگ تروریستها، بوش با القاعده و اسلام سیاسی، قصاوت شارون و تکاپوهای حماس و جهاد، نبود. میلیونها نفر در سراسر جهان وارد صحنه دخالت سیاسی شدند. به منظور مروری مجدد بر تاثیرات وقایع بعد از ۱۱ سپتامبر، اینجا گوشه‌ای از تفسیر جهان از دید منصور حکمت در شروع جنگ تروریست ها را به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۷۳ منتشره ۶ مهر ۱۳۸۰ (مصادف با ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱) مجدداً منتشر می کنیم.

شما و جوانان کمونیست



جواب به نامه‌های رسیده

بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

باید بگویم که هدف حزب کمونیست کارگری ایران ایجاد دنیایی برابر و آزاد است. آزادی به معنی واقعی کلمه، آزادی در همه شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. این یعنی لغو آپارتاید جنسی، یعنی لغو نابرابری اجتماعی اقتصادی و سیاسی بین زنان و مردان در جامعه، این یعنی عدم تبعیض جنسی، قومی، مذهبی، فرهنگی چیست؟

دوستانی از تهران و قزوین سولاتی را طرح کرده اند که اینجا به بخشی از آنها پاسخ میدهم.

- سوال شده است که: - هدف حزب کمونیست کارگری چیست؟
- برای این اهداف چه کاری میکنید؟
- آیا امیدی هست که در ایران هم آزادی و برابری حاکم شود؟
- چه همکاری با سازمان جوانان میشود کرد؟
- آیا برای عضویت در سازمان جوانان کمونیست باید فرم عضویت را پر کرد؟

صفحه ۳



دنیا پس از ۱۱ سپتامبر بخش دوم: "جهان متمدن" کجاست بربریت محتوم نیست

منصور حکمت

وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند، اگر این غول بیدار شود، سر آغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهایی در جهان باشد که بشریت در دهه های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. بوش و بلر و خامنه ای، آمریکا و ناتو و اسلام سیاسی، نمیدانند که واقعا یک بشریت متمدن،

از: انترناسیونال شماره ۷۳ منتشره ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱

جنگ تروریستها میتواند آغاز یکی از خونبار ترین دوره های تاریخ معاصر باشد. تا همینجا نفس در سینه صدها میلیون انسان حبس شده است. اما این دورنما محتوم نیست. صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته،



صفحه ۲

دانشجویان آزادیخواه عرصه را بر اسلامی ها تنگ کرده اند



عقب می زنند. خبر های زیر را بخوانید: کیهان شنبه ۴ خرداد، نوشت: حجت الاسلام مجتهد شبستری، نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز گفت: «چرا باید بشنوم که در دانشگاهی تحت عنوان ادب و هنر در شب شهادت امام حسین عسکری مراسم رقص برپا شود...» و «غیرت اسلامی و ... کجا رفته است که نمازخانه دانشگاه که محل عبادت است

طبق اخبار روزنامه ها و منابع خبری حکومت اسلامی، دانشجویان آزادیخواه، با اعتراضات هرروزه شان به احکام اسلامی جدایی پسران و دختران، با رفتارهای آزاد و غیر اسلامی، آیت الله ها، امامهای جماعت و اسلامی های دانشگاهها را به تنگ آورده اند. همه شواهد گواه این است که در دانشگاهها، دانشجویان آزادیخواه پیش می روند، قدرت می گیرند، عرصه را بر اسلامی ها تنگ تر و تنگ تر می کنند و آنها را

به محل رقص تبدیل می شود و رمان های عاشقانه توزیع می شود... او در مورد یکی از جلسات نمازخانه که عملا به تصرف دانشجویان آزادیخواه در آمده است، می گوید که: در این

صفحه ۳

آشنایی با مفاهیم سیاسی! آزادی های فردی



فرشاد پویا

تلقی رایج از آزادی های فردی CIVIL LIBERTIES آن را چنین تعریف کرده است. «آزادی های فردی» آنگونه آزادی های فردی و اجتماعی است که بر روابط مدنی شخص حاکم است و قانون از آن در برابر هر گونه

صفحه ۳

از صفحه ۸

یک جهان متمدن، وجود دارد که ممکن است در این میان برخیزد و در مقابل جنگ تروریستها از خود دفاع کند. علیرغم همه این تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته اند. قرن بیست و یکم میتواند قرن بربریت کاپیتالیستی نباشد. این روزهای تعیین کننده ای است.

رسانه ها سیمای ایدئولوژیکی و معنوی واقعی جهان را منعکس نمیکنند. روایت خود را میگویند، روایت حاکم، روایت طبقه حاکم. روایتی که بدرشان میخورد. میلیتاریسم، تروریسم، راسیسم، قوم پرستی، فنانیسم مذهبی و سودپرستی، در صدر اخبارند، اما در عمق ذهن اکثریت مردم دوران ما جای محکمی ندارند. یک نگاه ساده به دنیا، نشان میدهد که توده های وسیع مردم جهان از دولتها و رسانه ها چه ترند، نועدوست ترند، صلح دوست ترند، مساوات طلب ترند، آزاد ترند، آزادیخواه ترند. مردم در دو سوی این کشمکش ننگین، تمایلی به سواری دادن به سران بورژوازی ندارند. هیات حاکمه ششلول بند آمریکا فوراً متوجه میشود که علیرغم یکی از عظیم ترین جنایات تروریستی، علیرغم نمایش زنده و لحظه به لحظه از طیش افتادن یکبارہ قلب هزاران انسان، علیرغم ماتم و خشمی که به هرکس که وجدانش را به منفعتی نفروخته باشد دست میدهد، باز همین جامعه غربی، همین مردم هرروز مغز شویی شده، همین ها که از بام تا شام با راسیسم و بیگانه گریزی طبقه حاکمه "آموزش" میبینند، خواهان احتیاط، انصاف، عدالت و عکس العمل سنجیده میشوند. مردم خاورمیانه که چه در دنیای کثیف درون جمجمه خامنه ای ها و خاتمی ها و ملامحمد عمر ها و شیوخ ریز و درشت جنبش اسلامی، و چه در استودیوهای دولوکس سی ان ان و بی بی سی امت متعصب مسلمان و اعضای "تمدن اسلامی" تصویر میشوند، دوشادوش مردم آمریکا ماتم زده میشوند و به اعتراض بلند میشوند. فهمیدن اینکه اکثریت مردم خاورمیانه، از اسلام سیاسی متنفرند، فهمیدن اینکه بخش بسیار وسیعی از مردم اروپای غربی و آمریکا از دست اجحافات دولت اسرائیل به تنگ آمده اند و با مردم محروم فلسطین سمپاتی حس میکنند، فهمیدن اینکه اکثریت این مردم خواهان لغو تحریم اقتصادی عراقند و قادرند

خود را جای پدر و مادرهای دلسوخته عراقی بگذارند که کودکانشان را بیدارویی بکام مرگ میبرد، فهمیدن اینکه این توده وسیع مردم با شرف و با وجدان جهان در جنگ بوش و بن لادن، دوستان قدیمی و رقبای امروزی، با هیچیک نیستند، هوش زیادی نمیخواهد. این بشریت متمدن زیر آوار پروپاگاندا و مغزشویی و ارعاب در غرب و شرق به سکوت کشیده شده، اما بروشنی میشود دید که این مزخرفات را نپذیرفته است. این یک نیروی عظیم است. میتواند به میدان بیاید. بخاطر آینده بشریت، باید به میدان بیاید.

تمام دشواری کار اینجاست. به میدان آوردن این نیروی عظیم. در جنگ تروریستها خطوط نبرد تعریف شده است، صفوف تفکیک شده، منابع و نیروها بسیج شده اند، این یک رویارویی نظامی و سیاسی و دیپلماتیک وسیع است، اما علیرغم همه ابهامات، چهارچوب فکری و سیاسی این جنگ برای سردمداران هر دو اردوگاه روشن است. اما در اردوی ما، در اردوی بشریتی که باید جلوی این دورنمای هولناک بایستد، همه چیز مبهم است.

در این شک نیست که صف مقاومت در برابر جنگ تروریستها هم اکنون در کشورهای مختلف وسیعاً شکل گرفته و فعال شده است. اما همانقدر که اسلامیت ها و آمریکا به یک تنوری و استراتژی روشن، به یک تبیین واحد و کارساز، نیاز دارند، این جنبش مردمی هم به یک پرچم فکری و سیاسی و یک سلسله اصول استراتژیکی کار ساز احتیاج دارد. جنبشهای سیاسی مختلف، بویژه در جناح چپ، خواهند کوشید به این مقاومت خط بدهند و رهبری آن را بدست بگیرند. سوال اینجاست که چه خطی به خود این "چپ" حاکم است.

در بخش قبل گفتیم که در کنار عقابهای هر دو قطب، میلیتاریستهای آمریکا و فاشیستهای اسلامی، دو روایت پیچیده تر و پخته تر و "محترمانه تر" نیز در دفاع از طرفین این کشمکش وجود دارد. در کنار میلیتاریسم آمریکا کسانی هستند که فرمول جنگ مدنیت با تروریسم را جار میزنند. در کنار آدمکشهای جنبش اسلامی، کسانی هستند که تروریسم اسلامی را با "ضد-امپریالیسم" ملی-مذهبی و جهان سومی رایج دهه

هفتاد توجیه میکنند. هیچیک از این تبیین ها در جنبش مقاومت مردمی نفوذ جدی ای نخواهد یافت. احزاب و گروههای راست مرکز در غرب و تنمه چپ سنتی دانشجویی-روشنفکری دهه های قبل در غرب و شرق مشتری اصلی این فرمولهای زندانه تر در تبلیغات جنگی دو طرف خواهند بود. آنچه که در سطح نظری و سیاسی میتواند جنبش بالقوه مردم پیشرو جهان را به بیراهه بکشد، بنظر من موضع پاسیفیستی و تلاش عبث لیبرالی برای حفظ وضع موجود (صرف ممانعت از حمله آمریکا به افغانستان) و یا برگرداندن اوضاع به وضع موجود سابق (قبل از ۱۱ سپتامبر) است.

واقعه ۱۱ سپتامبر یک عمل جنون آمیز بیمقدمه انسانیهای بریده از متن جامعه نبود. همچنانکه اقدام نظامی قریب الوقوع آمریکا چنین نیست. جهان قبل از ۱۱ سپتامبر در یک نقطه تعادل نبود، بلکه در یک سیر تحول قهقراپی قرار داشت. معضلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مهمی در پس این رویدادها قرار دارد. این معضلات جهان را به این سو سوق داده است. این معضلات باید پاسخ بگیرد. ۱۱ سپتامبر گوشه ای از پاسخ اسلام سیاسی به این وضع است. همچنانکه سر کار گذاشتن طالبان، تخریب بغداد، گرسنگی دادن مردم عراق، خفه کردن مردم فلسطین، بمباران بلگراد و اکنون "جنگ طولانی با تروریسم" گوشه ای از پاسخ سران سرمایه در آمریکا و اروپا به این تضادهاست. جنبش مردمی در برابر چنین اوضاعی نمیتواند یک جنبش دعوت به آرامش و "حمله به افغانستان ممنوع" باشد. آرامش و حفظ وضع موجود نه فقط عملی نیست، نه فقط تخیلی است، بلکه عادلانه نیست، آزادیخواهانه نیست، کارساز نیست. جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ تروریستها فقط میتواند حول پاسخهای اثباتی برای معضلات سیاسی و اقتصادی گرهی عصر ما و حول یک موضع فعال نه برای حفظ وضع موجود، بلکه برای تغییر وضع موجود، سازمان یابد. ما در قبال تمام معضلاتی که با این رویدادها به جلوی چشم آمده، مساله شمال و جنوب، مساله فلسطین، مساله عراق، مساله اسلام سیاسی، مساله افغانستان و ایران، مساله میلیتاریسم و

قدر قدرتی آمریکا و ناتو در نظم نوین جهانی، مساله راسیسم، مساله قلعه اروپا و غیره دستور کار مستقل و پاسخهای مستقل خود را داشته ایم. این باید به دستور کار و پاسخهای جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ تروریستها تبدیل بشود. این فرق ماست با آرامش طلبان و پاسیفیستهایی که شکافها و تضادها و بی ثباتی دنیای قبل از ۱۱ سپتامبر را نمیبینند یا به آن بی تفاوتند. اگر ما قبل از همه این ماجراها دستوری برای تغییر جهان داشته ایم، مبنای یک موضعگیری اصولی در شرایط حاضر نیز باید دنبال کردن همان دستور کار در این شرایط جدید باشد. ما قصد نداریم افغانستان را زیر دست باند آدمکش طالبان باقی بگذاریم، ما قصد نداریم زیر حاکمیت آمریکای دست به موشک زندگی کنیم، ما قصد نداریم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را در خاورمیانه تحمل کنیم، ما قصد نداریم به بی کشوری مردم فلسطین و سرکوب هرروزه شان رضایت بدهیم. ما تروریسم چه اسلامی و انتحاری و چه ارتشی و پاگونی نمیخواستیم، ما این فقر را در نیمی از جهان نمیپذیریم، ما برج و بارو گرداگرد اروپا نمیخواهیم، ما به راسیسم و قومپرستی گردن نمیگذاریم. نه جنایت ۱۱ سپتامبر و نه مجاهدات قریب الوقوع ناتو در هندوکش نباید از یک جنبش فعال برای تغییر جهان یک صف سلیم النفس و آرامش طلب بی انتقاد و بی وظیفه بسازد.

جنبش "انساندوستانه" و صلح طلبانه پاسخ شرایط امروز نیست. اما نفوذ این جنبش بویژه بر مردم عادی جامعه غربی، بدلیل خشونت گریزی و نوعدوستی و همچنین محافظه کاری خودبخودی مردم، بسیار وسیع است. چنین موضعی دخالت آمریکا در افغانستان را محکوم میکند، اما در قبال حاکمیت طالبان از خود سلب مسئولیت میکند. تحریک علیه مسلمانان و راسیسم را محکوم میکند، اما دلیلی برای اعمال فشار به اسرائیل و آمریکا به نفع مردم فلسطین نمیبیند. این موضع برای جک استرا در سفرش آرزوی موفقیت میکند تا شاید این قطب تروریسم اسلامی را آرام و رام کند، هرچند حاکمیت این گرگها بر مردم ایران را تحکیم

میکند، این موضع از حقوق مدنی مردم مسلمان در کشورهای غربی دفاع میکند، اما برای رفع تشنج، انتقاد به حجاب اسلامی و بیحقوقی زنان در اسلام و محیط اسلامی را مردود میشمرد و مانع میشود. این موضع همه را به ترک صحنه و رها کردن اوضاع به همانصورت که قبلاً بود فرا میخواند. اگر این جنبش بر ذهنیت و عمل مردم ناراضی غلبه پیدا کند بشریت متمدن صحنه را برای تروریستهای غربی و شرقی خالی خواهد گذاشت. اگر آینده ای بخواید وجود داشته باشد، پیدایش یک خط مشی فعال، آزادیخواهانه و پیشرو در جلوی صف مردم است. این کار کمونیستهاست. کمونیستهای نوین، کمونیستهای مارکس. این کار ماست.

در بخش بعد به رئوس اصلی یک خط مشی فعال در برابر جنگ تروریستها خواهم پرداخت. اما لازم است به اختصار به فوری ترین مساله ای که این روزها مطرح است یعنی حمله قریب الوقوع آمریکا به افغانستان اشاره ای بکنم. ۹۹ درصد مردم جهان میدانند و میتوانند بروشنی توضیح بدهند که چرا حمله نظامی آمریکا به افغانستان و حتی دستگیری و یا کشتن بن لادن، که هدف اعلام شده این عملیات است و از نظر فنی بنظر بسیار نامحتمل میرسد، نه فقط خطرات تروریسم اسلامی علیه آمریکا و انگلستان را کاهش نمیدهد، بلکه ریسک عملیات بعدی را بشدت افزایش میدهد. کاملاً مشهود است که خود دولتهای آمریکا و انگلستان به

این مساله واقفند. تبیین رسمی غرب از مساله در چهارچوب تبیین های هالیوودی و جیمزباندی ای قرار میگیرد که ظاهراً اینها خوانند آن به مردم را ساده تر و سریع تر ارزیابی میکنند. میلیونر و یا گانگستر دیوانه ای در گوشه پرتی از جهان قصد نابودی مدنیت را دارد، صدام، میلوسویچ، بن لادن، و قهرمانهای آمریکایی برای نجات بشریت عازم میشوند. اما تحلیلهای خودشان نشان میدهد که اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی یک مقر مرکزی و یک فرماندهی واحد و یک سازمان هرمی ندارد، یک حرکت بین المللی متشکل از سلولها و سازمانها و شبکه ها و محافل دولتی است که در یک سلسله روابط رسمی و غیر

شما و جوانان ۰۰ از صفحه ۸ به اعتبار زبان و محل زندگیش دستبندی میکنند، انسان را به اعتبار شغلش و اینکه چقدر درآمد دارد دستبندی میکنند. آزادی واقعی یعنی لغو تمام این قید و بندهای بسته شده به پای انسان. یعنی آزادی از تمام این "مقررات" و "قوانینی" که چه به نام اسلام و چه به هر نام دیگری انسان را از انسان بودنش تهی میکند. قید و بند هایی که انسان را به موجودی که بسته به رنگ پوستش، جنسیتش، مذهبش و اینکه کجا متولد شده است، مقید به این قانون و آن قانون و یا محروم از این حق یا آن حق، میکند.

یعنی آزادی جوانان در انتخاب نوع زندگیشان، یعنی عدم دخالت در زندگی خصوصی انسانها، یعنی ممنوع بودن اجرای مراسم مذهبی در ملاعام، یعنی اینکه مذهب امر خصوصی افراد است و کسی حق ندارد کودکی را مجبور به باور به عقاید اسلامی کند. حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی انسانی و آزاد است. ما خواهان برابری بی قید و شرط همه انسانها هستیم. این یعنی برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، این یعنی انسانها باید در استفاده از حقوق اجتماعیشان برابر باشند، یعنی انسانها بر اساس سنگینی کیف پولشان مقام اجتماعی بالاتر و یا پائینتر ندارند. یعنی اینکه انسان انسان است و ملا و روضه خوان و دکتر و مهندس از رتبه اجتماعی بالاتری برخوردار نیست. یعنی اینکه همه انسانها باید امکان اجتماعی و اقتصادی اجرای تمایلات انسانی خود را داشته باشند. یعنی اینکه مدرسه خوب

باید برای همه باشد. یعنی اینکه کسی حق ندارد بعلت بیکار بودنش از حق معاش زندگی محروم باشد. یعنی اینکه کسی حق ندارد انسان دیگری را استثمار کند. یعنی حق برابر شکوفایی علائق انسانی تک تک ما. حزب کمونیست کارگری ایران خواهان حکومت شورایی است که دخالت همیشگی و مستقیم مردم در امر حاکمیت را تضمین میکند. در حکومت شورایی از بالا تا پائین مقامات انتخابی است. مسئولین و مقامات مستقیماً توسط مردم انتخاب می شوند. برای تغییر مسئولین و مقامات مردم نباید منتظر سر رسید هیچ موعدی بشوند و هر لحظه که مردم اراده کنند میتوانند همه و یا هر بخشی از آنها را جابجا کنند. به این خاطر است که ما معتقدیم که حکومت شورایی: اولاً ضامن بیشترین دخالت مستقیم مردم است، وسیع ترین و تعمیم یافته ترین نوع دموکراسی است. دوم اینکه ارگانی مافوق مردم و بالای سر مردم نیست. شوراها مستقیماً توسط مردم حساسی و هدایت می شوند. این شوراها امکان بیشترین مشارکت مردم در قدرت را بوجود می آورند. در حکومت پارلمانی، در آزادترین و پیشرفته ترین شکل اش، مردم سهمی در قدرت ندارند. حکومت پارلمانی با وعده دموکراسی در واقع سر مردم کلاه می گذارد. این «دموکراسی» با خرج کردن پول و دادن وعده، مردم را هر چهار یا پنج سال یکبار پای انتخاب این یا آن نفر یا این و آن حزب می آوردن و بعد تا انتخابات بعدی پدر مردم را در می آورد.

اما در پاسخ به این سؤال که برای تحقق این اهداف چه میکنیم: اصلی ترین کار ما برای رسیدن به این هدف قانع کردن تعداد هرچه بیشتری از مردم به درستی و محق بودن این خواستها است. فکر نمیکنم کسی که امروز دانش از دست جمهوری اسلامی در آمده و خواهان این است که این حکومت گورش را گم کند، با شنیدن این اهداف مخالفتی با آن داشته باشد. مهم اما گفتن این اهداف به همدگیر و قانع کردن تعداد هرچه بیشتری از مردم، دوستان و آشنایانمان به این اهداف است. مهم تبدیل کردن این خواسته ها به شعار اعتراضاتمان است. این کار اصلی ما برای اجرای این اهداف است. برای اجرای بهتر ابزارهایی را هم داریم. علاوه بر تماس مستقیم، نشریات و رادیو هایمان از جمله این ابزار ها است. و قانع کردن مردم به اینکه برای آینده بهتر، آلترناتیو ما کمونیست ها، حزب و سازمان ما را انتخاب کنند. اگر میخواهیم که کلاه "همباهم" خمینی سرمان نرود، اگر میخواهیم که کسی بالای سر ما درباره زندگی ما تصمیم نگیرد و در این نشست و آن نشست در مورد حکومت آینده ایران تصمیم گرفته نشود، تنها چاره متحد شدنمان برای اجرای این اهداف است. جمهوری اسلامی بهرحال رفتنی است سوال اما این است که چه چیزی باید جایگزین آن بشود؟ جواب این سوال دیگر کلا به درجه فعالیت ما، تک تک ما در قانع کردن همه برای مبارزه متحد برای رسیدن به اهدافی است که بالا به آن اشاره کردیم. در ایران کمونیسم، آینده بهتر، رفاه و شادی و آزادی

شانس دارد. باید به همه گفت که بیائید این شانس و فرصت را از دست ندهیم. این سازمان و حزب کمونیست کارگری ایران را انتخاب کنیم. به سوال بعد بپردازیم: چه همکاری با سازمان جوانان میشود کرد؟ در درجه اول تماس گرفتن با سازمان جوانان کمونیست. یا از طریق تلفن، نامه و یا ای میل و یا هر راه دیگری که امکان پذیرتر است. همین امروز تعداد زیادی از جوانان از شهرهای مختلف با ما در ارتباط هستند و خود این ارتباط به همه ما، به همه تک تک این جوانان امکان کار مشترک را میدهد. هم نظری کردن و کار مشترک برای رسیدن به همان اهدافی که در بالا به آن اشاره کردم حیاتی است.

تبعاً خود شما در محل زندگیتان میتوانید تشخیص دهید. ما رهنمودی به کسی نمیدهیم که اینطور و یا آن طور باید نشریات و اعلامیهها پخش شوند. دوستان بهتر از هر کسی میتوانند تصمیم بگیرند. راه دست پیدا کردن به این نشریات هم ساده است. از هر اینترنت کافه ای میتوان با مراجعه به سایتهای ما به این نشریات دسترسی پیدا کرد. امکان دیگرش این است که به ما آدرس ای میلی بدهید تا برایتان بفرستیم. قدم دوم جمع کردن دوستان و آشنایانی است که با ما هم نظرند. این خطر کمتری دارد. جمع کردن همفکران از بین کسانی که در محله و مدرسه و دانشگاه و یا در محل کار با هم در ارتباط طبیعی هستند کار مطمئنی است. ارتباط این دوستان با هم طبیعی است. کسی نمیتواند "شک" کند که «اینجا خبری است!» باید تعداد هرچه بیشتری از این دوستان را قانع کرد و کارهای گفته شده را مشترکاً با هم پیش برد. در جواب به سوال آخر در مورد چگونگی عضویت در سازمان جوانان کمونیست: به خاطر حفظ امنیت دوستانی که میخواهند عضو شوند، برای درخواست عضویت از ایران، اجباری به پر کردن فرم عضویت نیست. هرکسی که میخواهد به عضویت سازمان جوانان کمونیست در بیاید میتواند اینرا به کسی که با او از طرف سازمان جوانان کمونیست در تماس است بگوید. همین کافی است. با تشکر، بیشتر دوستان و علاقمندان از ایران هستیم.

دانشجویان آزادیخواه ۰۰۰

جلسه «وضع طوری می شود که منجر به اعتراض دانشجویان متدین و باغیرت و ترک جلسه شده است.» در همین رابطه گفته میشود که اسلامی ها در دانشگاه تبریز در اعتراض مقابل دفتر رئیس دانشگاه اجتماع می کنند و «به عدم رعایت شئون اسلامی در این دانشگاه به ویژه در مراسم جشنواره ادب و هنر معترض شدند». اسلامی های دانشگاه می گویند که: «الگوی نامناسب و ضد ارزش و ناهنجار روابط دختران و پسران دانشجو در برخی از نشریات دانشجویی و .. عرصه را بر دانشجویان متعهد و مسلمان این دانشگاه تنگ

آشنایی با ۰۰۰

محدود می شود. آزادی های فردی، در تعریف قانونی خود، همانست که « حقوق فرد » یا « حقوق فردی » خوانده می شود. آزادی فردی یکی از مفاهیم اساسی «اندیشه ی سیاسی دموکراتیک جدید» است. این مفهوم، معنای گستره ای یافته است و دلالت دارد بر آزادی های فردی شامل آزادی «عمل شخصی»، آزادی «داشتن اموال و استفاده از آنها»، آزادی اعتقادات مذهبی، آزادی پرسش و آزادی «عقیده و بیان». در نظامهای متکی به این قانون، قانون از این آزادی ها در برابر دست اندازی دولت یا هر کس دیگر حمایت می کند و این

از سایت سازمان جوانان دیدن کنید

www.jawanan.org

سایت فارسی سازمان جوانان .

حلقه اتصالی بین جوانان

سوسیالیست، کمونیست و

آزادیخواه

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

انجمن مارکس لندن**ورود برای عموم آزاد است****شنبه ۸ ژوئن ۲۰۰۲ - ۱۲ تا ۶ بعد از ظهر****انقلاب روسیه ۱۹۱۷ - ۱۹۲۷ بررسی تحلیلی****جلسه سوم: از انقلاب اکتبر تا مرگ لنین****کوروش مدرسی**

ساختمان حکومت شورائی، مسائل عاجل، صلح با آلمان، کمونیسم جنگی، جنگ داخلی، نپ، افق انقلاب در اروپا، انقلاب آلمان، شورش کرونشتات، انترناسیونال سوم، کمونیسم و جنبشهای استقلال طلبانه، شروع بحث آلترناتیو اقتصادی سوسیالیسم.

آدرس: (جنب ایستگاه Faringdon

The Castle, 35 Cowcross Street

لطفا راس ساعت ۱۱/۵ در محل حضور بهم رسانید - ورودیه ۵ پوند

ورود کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال ممنوع است

لطفا دوربین و ضبط صوت همراه نیاورید

تلفن تماس ۴۶۱۱ ۰۲۶ ۰۷۷۳ (۰۰۴۴)

ای میل: marxociety@yahoo.com

از صفحه ۲
رسمی، بصورت یک جنبش زیر زمینی، با ابتکارات وسیع در سطح محلی، بهم بافته شده است. ورود به افغانستان برای غرب شروع یک کمپین نظامی و سیاسی وسیعتر است. دستگیری یا قتل بن لادن تبعاً این نتیجه را دارد که در صحنه داخلی آمریکا از فوریت اقدامات نظامی بعدی کم کند و مصداقی برای "انتقام آمریکا" باشد که میتواند فضای داخلی آمریکا را تا حمله تروریستی بعدی اسلاميون، و فقط تا آنوقت آرام کند. اما، این قدم کوچکی در یک حرکت سیاسی و نظامی وسیع تر در خاورمیانه است که دامنه نهایی آن هنوز اعلام نشده است. در تحلیل نهایی این یک زورآزمایی با اسلام سیاسی است. یعنی جنبش ارتجاعی ای که غرب خود در حاشیه جوامع خاورمیانه پیدا کرد و برای مقابله با چپ در سرمایه داری های نوظهور این کشورها و فشار به بلوک شرق به جلوی صحنه کشید. این زورآزمایی میتواند محدود بماند، اما بخصوص بدلیل خصلت غیر متمرکز و افراطی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی، به احتمال قوی به یک تعیین تکلیف بنیادی تر خواهد کشید. اسلام سیاسی بدون حمایت غرب در خاورمیانه ماندنی نیست. تا همیشه بالاگرفتن نبرد سکولاریستها و اسلاميون در پاکستان و حال آمدن پیکر نیمه جان خاتمیون در ایران و اوجگیری مجدد کشمکش

از این است که جنابها، حاکی از این است که نبرد غرب با اسلام سیاسی میتواند چاشنی تغییرات جدی ای در تناسب قوای فراکسیونهای بورژوازی در این کشورها به زبان اسلاميون باشد. در قبال نفس حمله آمریکا به افغانستان چه میتوان گفت. آیا "دستها از افغانستان کوتاه!" یک موضع اصولی و پیشروست؟ مردم افغانستان و اپوزیسیون آن جز این بشما خواهند گفت. افق سقوط طالبان، یک باند آدمکش و دلال بزرگ مواد مخدر نیروهای سیاسی افغانستان را به تحرک خوشبینانه ای کشانده است. خواست سرنگونی طالبان یک خواست انسانی و پیشروست. نباید اجازه داد مخالفت درست و اصولی با میلیتاریسم آمریکا به رها کردن افغانستان زیر دست طالبان معنی شود. این یکی از نمونه های زنده ناکافی بودن و نادرست بودن آرامش طلبی و دفاع از وضع موجود است. مردم افغانستان یک عمر منتظر روز سقوط طالبان بوده اند. واقعیت اینست که آمریکا برای رهایی افغانستان وارد این کشور نمیشود. اینها طالبان را سرکار آورده اند. اینبار ممکن است تضعیف کنند، اما بطور دوفاکتو موجودیتش را بپذیرند. به مشرف قول داده اند حکومت بعدی افغانستان همچنان باب میل پاکستان باشد. قرار است جانورانی را بردارند و از همان قماش کسان دیگری را بگذارند. موضع اصولی شرکت دوشادوش اپوزیسیون پیشرو و مردم افغانستان برای سرنگونی طالبان در متن شرایط کنونی و برقراری یک دولت منتخب مردم در این کشور است. باید این را به غرب

از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

www.rowzane@yahoo.com

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی

shahabi_99@yahoo.com

Tal: 001-416 434 15 45

Fax :001-781 735 83 59

E-Mail: shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanan.org

Address: Jawanan

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628

لیلا روشن ضمیر

دانمارک:

0044 776 110 66 83

فرشاد پویا

انگلستان:

0049 163 26 93 033

نهبه ز احمدزاده

آلمان:

0046 70 48 68 647

مریم طاهری

سوئد:

001 416 69 80 358

مهدی شهابی

کانادا:

0049 172 2957603

ترکیه:

0049 174 944 02 01

دبیر کمیته مرکزی بهرام مدرسی

www.haftegi.com از این سایت ها دیدن کنید: www.rowzane.com

www.wpiran.org www.hambastegi.org

www.wpibriefing.com www.medusa2000.com

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!